

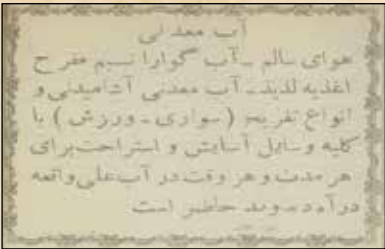


رستوران گراند هتل طهران

روز چهارشنبه بیستم فروردین مفتوح می شود بهترین اغذیه به دست متخصصین آشپزی که در خارج تربیت شده اند تهیه می شود. سرویس تابلستانی در حیاط و زیر زمین گراند هتل دایر است. قیمت غذای کامل که عبارت از: زاکوسکا، سوپ، دو خوراک گوشت و دسر و قهوه می باشد، فقط ۶ ریال. اطلاق های خصوصی برای پذیرایی دوستانه سرویس تمیز و سریع انجام می شود. رئیس رستوران گراند هتل

ایران

■ صفحه ۱۶ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۳۸۶ ■ دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۹ ■ ۱۴ ذی القعدة ۱۴۴۱ ■ ایران قرن نوزدهم



آب معدنی

میهمانخانه دماوند هوای سالم، آب گوارا، نسیم مفرح، اغذیه لذیذ، آب معدنی آشامیدنی و انواع تفریح (سواری - ورزش) با کلیه وسایل آسایش و استراحت برای هر مدت و هر وقت در آب علی واقع واقع در آه دماوند حاضر است.

تبیخیه

تهیه و تنظیم: حسن مجیدی

نام خانوادگی برای ایرانیان و قانونی که مصوب شد

احوالاتِ سِجِل



فرزانه قبادی/ مولود نورچشمی نزهت، خداوند او را داده است ان شاء الله قدم او مبارک باشد، «بعد از تولد هدایت، والده او بعد از شش ماه به رحمت خداوند رفت، تا حدود صد سال پیش همزمان با تولد و مرگ آدم‌ها این جملات توسط وریش سفیدها بر آخرین صفحه قرآن ثبت می‌شد و به نوعی گواهی تولد فرد و سند نامگذاری او بود. سال‌های آخر حکومت قاجار بود که نام و مفهوم «سِجِل» در کنار نام اسناد و قبایله‌ها جا گرفت. در کتاب‌های لغت، سِجِل پیش از آنکه معنای دفتری پیدا کند که تاریخ تولد و فوت و نام و احوالات فرد در آن ثبت می‌شد، در معنای «عهدنامه» یا «دفتری که قاضی صورت دعاوی و اسناد و احکام را در آن می‌نویسد» به کار می‌رفت. در سال ۱۲۹۷ شمسی هیأت وزیران تشکیل اداره‌ای به نام «سِجِل احوال» در وزارت داخله را به تصویب رساند. با توسعه شهرها و نیاز به انجام امور اداری، ثبت نام و تاریخ تولد فرد پشت قرآن دیگر اعتباری نداشت و افراد هر روز بیشتر از قبل نیاز به اوراق هویتی رسمی پیدا می‌کردند. بسیاری معتقدند موضوع سِجِل و نام خانوادگی در دوران پهلوی اول مطرح شده اما به گفته احمد کسروی پیش از این دوران هم افراد برای خود نام خانوادگی انتخاب می‌کردند، اما در زمان حکومت رضاشاه این موضوع با جدیت و رسمیت بیشتری دنبال شد. پای ممولین و روشنفکران سال‌ها بود که به اروپا باز شده و بسیاری از کسانی که در فرنگ تحصیل می‌کردند به جای القاب مرسوم در دوران قاجار به شیوه اروپایی‌ها نام خانوادگی برای خود انتخاب می‌کردند. مصدق، فروغی، تقی‌زاده و... جزء نخستین کسانی بودند که نام خانوادگی خود را ثبت کردند. این امر در فروردین ۱۳۱۴ در ماده ۹۹۷ و جلد دوم قانون مدنی تصویب و مرداد ماه همان سال برای تمام ایرانیان اجباری شد. در ماده ۹۹۷ قانون مدنی آمده است: «هر کس باید دارای نام خانوادگی باشد. اتخاذ نام‌های مخصوصی که به موجب نظامنامه اداره سِجِل احوال معین می‌شود ممنوع است» و ماده ۹۹۸ همین قانون به انحصار نام خانوادگی افراد اشاره دارد: «هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق اتخاذ کرده

باشد می‌تواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد». طبق این ماده اگر کسی قصد می‌کرد نام خانوادگی‌ای را که پیشتر انتخاب شده، انتخاب کند، باید از کسی که پیش از او این نام را برگزیده بود مجوز مکتوبی به اداره سِجِل ارائه می‌داد و در آن روزگار این موضوع برای بعضی زمینه‌ساز سوءاستفاده از افراد شده بود. بعد از اجباری شدن انتخاب نام خانوادگی برای ایرانی‌ها، شاه هم به پیشنهاد فروغی نام خانوادگی «پهلوی» را برای خود انتخاب کرد. برای منتسب کردن پادشاهی‌اش به شاهان باستانی ایران داشت. بعد از انتخاب این نام خانوادگی قرار بر این شد که کسی در کشور نام پهلوی را به‌عنوان نام خانوادگی خود انتخاب نکند و اگر هم پیش از آن این کار را کرده است، آن را تغییر دهد. پیش از شاه «محمود پهلوی» محقق و نویسنده آن روزگار این نام را انتخاب کرده بود. اما با اجبار پیش آمده به نشان اعتراض تصمیم گرفت نام خانوادگی دیگری برای خود انتخاب نکند و حالا در تاریخ او را با نام «محمود محمود» نامی که ریشه در تأکید او بر ملی‌گرایی و تلاش او برای منتسب کردن پادشاهی‌اش به شاهان باستانی ایران داشت. بعد از انتخاب این نام خانوادگی قرار بر این شد که کسی در کشور نام پهلوی را به‌عنوان نام خانوادگی خود انتخاب نکند و اگر هم پیش از آن این کار را کرده است، آن را تغییر دهد. پیش از شاه «محمود پهلوی» محقق و نویسنده آن روزگار این نام را انتخاب کرده بود. اما با اجبار پیش آمده به نشان اعتراض تصمیم گرفت نام خانوادگی دیگری برای خود انتخاب نکند و حالا در تاریخ او را با نام «محمود محمود»

می‌شناسیم، کسی که در دولت قوام استاندار تهران و در دوره‌ای هم نماینده مجلس ششورا بود. بعد از تصویب قانون مربوطه مأموران اداره سِجِل به شهرها و مناطق مختلف اعزام شدند تا به‌صورت رسمی نام خانوادگی افراد را ثبت کنند. قصه‌ها و روایاتی که این روزها در مورد بعضی از نام‌های خانوادگی می‌شنویم، در همین دوران شکل گرفتند. انتخاب نام خانوادگی (فامیلی) فرمول‌های تقریباً مشخصی داشت، بعضی بر اساس شغل فرد انتخاب می‌شد: «وزاز»، «آخوندی»، بعضی بر اساس شهری که در شهر داشت: «درستکار»، «معتدلی» یا بر اساس محل زندگی یا تولد فرد: «بروجردی»، «خراسانی» عده‌ای هم که اهل ادبیات بودند، با اضافه کردن «ی» در انتهای نام قهرمانان شاهنامه برای خود یک نام خانوادگی اختراع می‌کردند: «جمشیدی»، «گودرزی»، «خسروی». نزدیک به ۹۰ سال دور شده‌ایم از روزگاری که تمام هویت یک فرد در برگه‌ای در انتهای قرآن ثبت می‌شد و شاید تا سال‌ها کسی آن را مرور نمی‌کرد تا تاریخ تولد او را به خاطر آورد، هویتی که با قانون جدید قدم در راه هوشمند شدن گذاشت.

کلاه مردم ایران تغییر کرد

تمایل فوق‌العاده عموم برای تغییر کلاه همه مغازه‌های کلاه دوزی را به کار واداشته و با جدیتی مشغول ساختن انواع کلاه‌های تمام لبه دار هستند. اعضاء وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی همگی کلاه‌های خودشان را تغییر داده و کلاه تمام لبه دار به سر گذاشته‌اند. برای مستخدمین بلدیه کلاه کاسکت با نوارهای زرد و سفید مطابق رتبه آنها در نظر گرفته شده و شکل آن تصویب گردیده دستور تهیه آن داده شده است. وزارت معارف برای اعضاء و اجزاء و معلمان مدارس کلاه کاسکت تصویب نموده‌اند و اغلب اعضاء هم این دو روزه تهیه کرده و گذاشته‌اند. سایر طبقات انواع کلاه‌های نمادی، حصیری، تابستانی کبی، کاسکت و غیره تهیه کرده و بعضی از کلاه دوزها هم فرم‌های شکیل دوخته و در دسترس عموم گذاشته‌اند.

روزنامه کوشش - چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۱۴

ساعات رسمی در تمام مملکت



طبق تصویب هیأت محترم وزراء عظام، ساعت رسمی واحد در کلیه نقاط مملکت شاهنشاهی باید برقرار باشد. این ساعت در تمام روابط عمومی مملکت به کار می‌رود و در هر شهر یا قصبه که دفتر تلگراف باشد همه ادارات و مؤسسات ساعت خودشان را باید با ساعت تلگرافخانه مطابق نگاهدارند تا همیشه ساعت شهرها با ساعت تهران یکسان باشد. بدیهی است تطبیق این ساعت که ساعت رسمی مملکت است مانع این نیست که هر شهری ساعت محلی خود را نیز به تناسب اقل آن شهر معین

نموده و در احتیاجات خصوصی خود به کار ببرند. بنابر این از طرف وزارت پست و تلگراف و تلفن به کلیه مراکز تلگرافی ایالات و ولایات دستور لازم صادر گردیده که همه روزه ساعت صحیح راز تلگرافخانه تهران گرفته و به نقاط تابعه بدهند و ضمناً به بلدیه و ادارات حوزه نیز اطلاع بدهند که ساعت خود را از روی ساعت تلگرافخانه تصحیح نمایند.

روزنامه کوشش - سه‌شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۱۴

نام جدید

شهرهای ایران

در چند ساله اخیر اسامی بعضی از شهرها تغییر نموده و نام‌های مناسب‌تری به‌جای آن تعیین گردیده است.

اسامی جدید شهرهایی که تغییر کرده است درج می‌گردد اکنون در کلیه مراسلات رسمی و پستی و غیره همیشه اسامی جدید شهرهای مزبور مورد استعمال می‌باشد و اسامی قدیم کاملاً متروک گردیده است.

روزنامه اطلاعات - چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۱۴

اطفاء حریق به خرج بلدیه

در سال‌های آغاز به کار اداره اطفائیه مردم با اعتقاد چندانی به این اداره نداشته یا پولی برای اطفای حریق نداشتند که اداره بلدیه را مجبور به صدور اخطارهای پی در پی می‌کرد: گاهی اتفاق می‌افتد که صاحبان اماکن موقع وقوع حریق در اطلاع و اخبار حادثه مسامحه می‌کنند در حالی که عدم اطلاع به دایره اطفائیه موجب خواهد شد که خسارت بیشتری به مالکین متوجه شود. لذا برای اطلاع به عموم اهالی محترم اعلان می‌شود

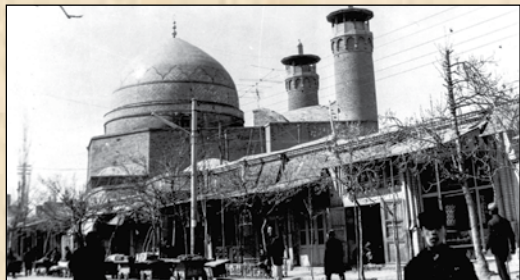
روزنامه اطلاعات - دوشنبه ۳ تیر ۱۳۱۴



دستور مجالس سوگواری

از طرف ریاست وزرا مقرر است، چون مجالس ترحیم به‌طوری که تاکنون معمول و متداول بوده نظم و ترتیب صحیحی نداشته هم اسباب زحمت و هم مایه تضییع اوقات و هم بر خلاف اصول حفظ الصحه است و بعلاوه برای صاحبان عزای نیز مشکلاتی در بر دارد، لذا برای تسهیل امر و اصلاح اوضاع کنونی مقرر می‌شود:

۱- از طرف بلدیه در چند ناحیه شهر مساجدی برای مجالس ترحیم در نظر گرفته شود که بالنسبه بزرگ و جامع و در دسترس عموم باشد و این تعیین و تخصیص به اطلاع هر ناحیه رسانده شود. ۲- مقداری نيمکت و ميز از طرف بلدیه تهیه و در هر یک از مساجد معینه به قدر کفایت برای نشستن واردین گذاشته شود تا از این به بعد جالسین روی زمین ننشینند. ۳- یک ميز بزرگ که روپوش سیاه داشته باشد در محل مناسب برای گذاشتن جزوات کلام‌الله مجید گذاشته شود. قراء هم باید در جلوی همین ميز قرار گرفته به تلاوت قرآن مشغول شوند. گذاشتن گلदान و قدح که چیز زایدی است روی ميز یا روی زمین موقوف شود.



۴- مجلس ترحیم بیش از یک روز نباید باشد و مدت انعقاد مجلس چه قبل از ظهر و چه بعد از ظهر بیش از دو ساعت نباید باشد. ۵- هر وقت فوتی اتفاق افتاد و صاحب عزای خواست مجلس ترحیم برپا کند باید فوراً به بلدیه اطلاع داده، روز و ساعت انعقاد مجلس را معین نماید تا مأموران بلدیه به‌موقع معین آماده نمایند و قبلاً به اطلاع عامه نیز برسد یا اگر صاحب عزای ترجیح می‌دهد اشخاصی را بخصوص دعوت کند. ۶- ختم کردن مجلس از طرف شخص معین رسمی یا غیر رسمی نباید بعمل آید و صاحب عزای هیچ‌گونه ترصد و انتظاری از این بابت نباید داشته باشد بلکه باید نیم ساعت به آخر وقت مانده شروع به خواندن الرحمن کرده و مجلس را بهر حال که هست خاتمه بدهند و بعد از قرائت الرحمن اگر صاحب عزای خواست که ذکر مصیبتی هم بشود واعظی که دعوت می‌شود ذکر مصیبت را با کمال اختصار خواهد کرد. ۷- صرف جای و قهوه و قلیان و سیگار در مجالس ترحیم باید متروک شود. ۸- مأموران بلدیه و نظمیّه مأمور و مراقب اجرای مقررات فوق هستند. روزنامه کوشش - چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۱۴



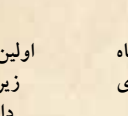
۹ مرداد

کلیه عناوین از قبیل خان، بیک، میرزا، امیر که قبل یا بعد از اسم افراد به کار برده می‌شد، ملغی شد و عنوان مقامات کشور نیز «جناب» شد.



۱۱ تیر

آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری در تلگرافی به رضاشاه ضمن اعتراضی ملی را برعهده داشت، حجاب، خواستار جلوگیری وی از این روند شد.



۱۲ تیر

فروغی به نمایندگی از رضاشاه در پاسخ به نامه آیت‌الله حائری از اینکه ایشان بی‌حجابی و موارد خلاف شرع را به رضاشاه نسبت داده اظهار تعجب کرد.



۲۷ خرداد

محمدعلی خان ذکاءالملک فروغی کابینه تشکیل داد.

۲۲ فروردین

«کانون بانوان ایران» با هدف زمینه‌سازی برای «اعلام آزادی نسوان» و تحقق کشف حجاب، تحت نظارت وزارت معارف و به ریاست شمس پهلوی تشکیل شد.

۵ فروردین

پاستوخف مستشار سفارت شوروی درخواست کرد شهرک فیروزه [ترکمستان] که مطابق عهدنامه ۱۹۲۱ جزئی از خاک ایران به شمار آمده به شوروی واگذار شود. چون این محل بیلای عشق آباد است.

۸ فروردین

وزارت امور خارجه در یادداشتی به سفارت انگلیس، اقدام آن کشور در کسب امتیاز استخراج خاک سرخ معادن ابوموسی و صدور آن به انگلستان را محکوم کرد و آن را تعرض به حاکمیت ملی ایران دانست. این امتیاز از سوی حاکم شارجه به انگلیسی‌ها واگذار شد.

۱۳۱۴
شهریور
1935

گردآوری: محمد گرشاسبی

۱ شهریور ۱۳۱۴

سرکنسولگری ایران در شهر بیت‌المقدس تأسیس شد.

۱ مرداد

اولین دوره آموزشی دانشکده افسری زیر نظر افسران فرانسوی در محل دانشکده افسری گشایش یافت.